

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۱ هـ.ق)

۱۶ بهمن ۸۸

خطبه‌ی روز اربعین

« يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّهِ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي
وَادْخُلِي جَنَّتِي »

«ای نفس مطمئنه و به یقین رسیده. ای روح آرامش یافته. ای اباعبدالله خشنود و پسندیده به‌سوی پروردگارت بازگرد و در زمره‌ی بندگان من داخل شو و به بهشت من درآی.»

پس برکت‌های الهی در جان‌هایی قرار دارد که دم و بازدمی منور با آیات الهی دارند و آنگاه که آنان آیات الهی را بخوانند مأموران الهی نامشان را سؤال کنند نامی جز آنچه پروردگار کریم با آن نام آنان را خوانده ندارد و آن نام عبدالله است.

حمد و سپاس شایسته پروردگار کریم و رحمان و غفور و غفار است که با خلق زمان، روز، ساعت، دقیقه و ثانیه و قرار دادن انسان در آن به منظور بهره‌گرفتن از ثانیه‌هایش برای رشد و تفکر و اندیشه در رخدادها و حوادث و کسب تجربه برای رسیدن به تکاملی که منظور از خلقت انسان و زندگی این دنیا بوده است از روی حکمتش تدبیر نمود و در آن رمزهایی در فاصله‌های زمانی معینی و گذاردن آن توسط انسان اراده فرمود که یکی از آنها مقدار زمانی چهل است که برای نمونه میقات حضرت موسی (ع) در کوه طور که پس از سیر و مناجات خداوند متعال، تورات را بر او عطا فرمود و یا پیامبر اسلام خاتم انبیاء حضرت محمد مصطفی (ص) پس از سال‌ها بندگی و تفکر در عظمت الهیه در چهل سالگی در غار حرا به پیامبری مبعوث گردید را می‌توان نام برد و یا انسان‌ها در فوت عزیزانشان که اتفاق می‌افتد و چاره‌ای غیر از پذیرفتن آن ندارند پس از چهل روز به آرامش می‌رسند.

امشب که در اربعین یا چهلمین روز شهادت سالار شهیدان حضرت اباعبدالله (ع) هستیم یعنی چهل روز از نهضت عاشورای حسینی می‌گذرد سؤالی پیش می‌آید که با وجود آنکه تمام معصومین برای ما عزیز و شهادت آن‌ها بسی بزرگ و ناگوار است چرا برای هیچ‌کدام به غیر از امام حسین (ع) اربعین مقرر نشده و در این قرارداد چه رمز و حکمتی نهفته است؟ با اندکی تأمل و تفکر می‌شود به این نتیجه رسید که قیام و انقلاب عاشورایی امام حسین (ع) علی‌رغم عملکرد ما که نشانگر تصور و برداشت‌های غلط ما شیعیان است هر ساله به ظهر عاشورا ختم نمی‌شود، چون مردم بعد از ظهر عاشورا اغلب به خانه‌های خود می‌روند و دیگر از آن شور و توجه تا محرم سال بعد خبری نیست درحالی‌که عزاداری و پیام اصلی این نهضت بعد از عاشورا توسط خطابه‌ها و حرکت‌ها و سخنرانی‌های امام سجاد (ع) و بانوی بزرگوار اسلام حضرت زینب کبری (س) و بانوان حرم حتی بچه‌های خردسال می‌باشد که با تفسیر و تشریح حرکت‌ها و جانبازی‌های امام حسین (ع) و یاران باوفایش و نیت اصلی امام از این انقلاب برای همه کسانی که می‌خواستند و می‌خواهند بدانند در کربلا چه گذشته است اعلام و پیام امام را برسانند که این پیام‌ها شامل درس‌ها و نکته‌های ارزشمندی از دین، توحید، آزادگی، تربیت درست اسلامی، خودسازی، مبارزه و عاطفی است که هر کدام دارای صدها نکته آموزشی است که مطالعه و درک درست مفاهیم آن هر ملتی را می‌تواند غنی از فرهنگ عالی نماید، که ما دوستداران و عاشقان حسینی اگر هر سال چند نکته از آن را تا اربعین می‌آموختیم و سرمشق زندگی‌مان قرار می‌دادیم، سعادتمندترین مردم جهان بودیم که متأسفانه هر ساله در دهه‌ی اول محرم با شور و هیجان مانع از اندیشیدن می‌شویم و پس از عاشورا سعی در فراموش کردن آن داریم تا غمگین نشده و زندگی ساکت و راحتی داشته باشیم.

خواهران و برادران چه خوب است در این شب با خود اندیشه کنیم که آیا در چهل روز این سال چیزی آموخته‌ایم؟ و اگر آموخته‌ایم سعی در بکار بردن و سرمشق قرار دادن آن در زندگی خود کنیم. چون نهضت عاشورا از مدینه تا شام به همین منظور که الگویی برای رستگاری و نجات بشریت باشد انجام شده، نه به خاطر مرثیه‌سرایی و داستان‌پردازی‌های دروغین که ناشی از عدم شناخت امام و راه او و انقلابش می‌باشد،

چون آنان ایمان، توکل، یقین، پایداری و عزت و سربلندی را به نمایش گذاشتند همان‌گونه‌ای که رسول خدا فرموده بودند: از خاندان من فرزندان به دنیا خواهند آمد که دین خدا را با وعده‌های حقه‌ی آن به زمان‌های گذشته و آینده نشان دهند و در رسالت مرا یاری کنند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: بگوئید آن‌ها انتظار بکشند من هم منتظر می‌شوم. منتظر چه چیزی؟ آمدن قیامت که انتظار نمی‌خواهد آمدن امر الهی به یک‌باره است انتظار عدالت را چگونه باید به مردم آموخت جز با نمایش حق و باطل.

چطور می‌شود تا اولیاء خداوند عبرت باشند آیا خداوند بزرگ و با جلالت و جبروت یک مشت انسان‌های شکست خورده را عبرت مردم قرار می‌دهد یا عده‌ای قهرمان را؟ پس چه شده که از امامت جز خاطره‌ای از مظلومیت باقی نمانده و اطاعت و رشادت در پس پرده رفته است. اگر کربلا نبود منتظران منتظر چه بودند؟ چگونه حق و باطل را تشخیص می‌دادند؟ جز اولیا چه کسی چهره‌ی حق کامل است تا دیگران از آنان بیاموزند؟ ولی متأسفانه مردم چهره‌ی باطل را بزرگ کرده و چهره‌ی حق را در پشت آن قرار داده‌اند. پس وای بر احوال این منتظران که منتظر باطل هستند درحالی‌که حق پشت پرده‌ی باطل نمی‌رود بلکه باطل است که چهره‌ی حق را دگرگون می‌کند. همان‌گونه‌ای که خداوند بزرگ فرموده: باطل مانند کف روی آب است که از بین رفتنی است کسانی بر امام حسین (ع) اشک می‌ریزند که چهره‌ی حق را شناختند نه چهره‌ی باطل را و منتظران منجی عالم بشریت اباصالح المهدی (عج) نیز زمانی منتظر واقعی هستند که چهره‌ی حق و باطل را بشناسند بعد از آن منتظر عدالت باشند.

اللهم عجل لولیک الفرج